

Counterculture Indicators in Information and News Industries: A Thematic Analysis for Cultural Policy Evaluation

Mohammad Mahdi Mohaqeqi , Ph.D. in Cultural Policy-making, Department of Strategic Management, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University (AS), Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: mm.mo64@yahoo.com

Komeil Gheidarloo , Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: gheidarloo@isu.ac.ir

Extended Abstract

Introduction: Counterculture constitutes an important dimension of cultural dynamics and refers to patterns of meaning, values, norms, and lifestyles that emerge in a critical or conflictual relationship with dominant culture. In contemporary societies, news media and information industries have become important arenas for the representation, reproduction, dissemination, and transformation of countercultural patterns. The expansion of digital communication platforms and changes in news consumption have further blurred the boundaries between dominant culture, popular culture, and counterculture. Consequently, identifying appropriate indicators is essential for systematically assessing the presence and characteristics of countercultural phenomena in media environments. Such indicators can provide an analytical basis for distinguishing different manifestations of counterculture and understanding the social and communicative mechanisms through which they are reproduced. The present study therefore seeks to identify, categorize, and formulate the principal indicators of counterculture in news media. The study also examines the conditions associated with the emergence and expansion of media-based countercultures and considers the implications of the identified indicators for cultural and media policymaking.

Methods: This study employed a qualitative research design based on thematic analysis. Data were collected through documentary and library research, expert group discussions, and interviews with scholars and experts. The use of multiple sources enabled the researchers to examine countercultural indicators from theoretical, documentary, and expert perspectives. The collected materials were subjected to thematic analysis to identify recurring concepts, patterns, and relationships associated with counterculture in information and news industries. The analysis focused on formulating indicators and organizing them into broader conceptual categories. In addition, a policy-oriented perspective was applied to interpret the findings and examine their implications for cultural governance and media policy. Stakeholder- and systems-oriented considerations were incorporated into the interpretation of the findings, with particular attention to the mechanisms through which media structures, communicative practices, social conditions, and discursive patterns interact in the reproduction of countercultural phenomena. The



analytical process sought to establish a systematic relationship among empirical evidence, conceptual categories, and policy implications.

Findings: The findings indicate that countercultural indicators in news media can be organized into four overarching dimensions: psychological-motivational, structural, behavioral, and discursive. The psychological-motivational dimension includes factors such as peer pressure, perfectionism, resistance to domination, exposure and disclosure, sectarianism, insults, and ridicule. The structural dimension encompasses alternative, independent, investigative, and critical journalism, underground media, and technological mechanisms such as echo chambers and polarization-reinforcing algorithms. The behavioral dimension includes sensation-alist reporting, criticism, satire, caricature, parody, media representation, and artistic protest, while the discursive dimension comprises news distortion, opposition to censorship, rights claims, demands for transparency and accountability, and social justice claims. The emergence and expansion of these countercultural patterns are associated with dissatisfaction with dominant values and norms, social inequalities, declining social capital, crises of trust, and deficiencies in political and economic mechanisms. Media and communication platforms also contribute to their amplification, circulation, and reproduction.

Conclusion: The study concludes that counterculture in news media should be understood as a multidimensional cultural and communicative phenomenon with significant implications for cultural and media policymaking. The four-dimensional framework identified in this research provides an analytical basis for monitoring and assessing countercultural indicators across motivational, structural, behavioral, and discursive levels. The policy analysis further suggests that approaches based primarily on restriction, suppression, and censorship have limited capacity to address countercultural phenomena and may, under certain conditions, contribute to the development or strengthening of underground media. More interactive approaches, including the promotion of media literacy, social dialogue, balanced media representation, and support for professional independent media, offer greater potential for addressing cultural divisions and reducing discursive tensions. Accordingly, effective policy responses require a multidimensional and participatory approach based on continuous monitoring, systematic analysis, and an improved understanding of the social and media conditions associated with counterculture. The findings provide a conceptual framework that can be used in subsequent empirical research to operationalize countercultural indicators and assess their prevalence and effects across different media environments.

Keywords: Counterculture; Cultural Policy; Information and News Industries; Creative Industries; Media Economics; Thematic Analysis; Media Discourse; Communication Studies.



شاخص‌های پادفرهنگ در رسانه‌های خبری

محمد مهدی محقق^۱، کمیل قیدرلو^۲

چکیده

پادفرهنگ‌ها برای بقا و گسترش خود در رویارویی با ارزش‌ها و هنجارهای غالب، به بهره‌گیری از رسانه‌های خبری و صنایع اطلاع‌رسانی متکی هستند. ارزیابی هر پدیده اجتماعی نیازمند تعیین شاخص‌ها است و هدف اصلی این تحقیق نمایانندن و صورت‌بندی شاخص‌های پادفرهنگ در رسانه‌ها است. روش تحلیل داده‌های اسنادی کتابخانه‌ای، گروه‌نخبگانی و مصاحبه علمی در این تحقیق، تحلیل مضمون است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های پادفرهنگ در رسانه‌های خبری در چهار کلان‌متغیر روان‌شناختی انگیزشی، ساختاری، کنشی و گفتمانی قابل صورت‌بندی است. در بُعد روان‌شناختی انگیزشی، مؤلفه‌هایی مانند فشار همتایان، کمال‌گرایی، اعتراض به سلطه، افشاگری، فرقه‌گرایی، دشنام و تمسخر برجسته است؛ در بُعد ساختاری، روزنامه‌نگاری جایگزین، مستقل، تحقیقی و انتقادی، رسانه‌های زیرزمینی و سازوکارهایی مانند اتاق‌های پژواک و الگوریتم‌های تقویت‌کننده قطبی‌سازی شناسایی شد. شاخص‌های کنشی نیز در قالب زردنویسی، نقد، طنز، کاریکاتور، هجو، بازنمایی رسانه‌ای و اشکال هنری اعتراضی صورت‌بندی شدند و در سطح گفتمانی، تحریف اخبار، اعتراض به سانسور، حق‌خواهی، مطالبه شفافیت و پاسخ‌گویی، عدالت‌خواهی برجسته بود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که شکل‌گیری و گسترش پادفرهنگ‌های رسانه‌ای با نارضایتی از ارزش‌ها و هنجارهای مسلط، نابرابری اجتماعی، ضعف سرمایه اجتماعی، بحران اعتماد و ناکارآمدی برخی سازوکارهای سیاسی و اقتصادی پیوند دارد و رسانه‌ها در تقویت و انتشار آن‌ها نقش دارند. تحلیل سیاستی پژوهش نشان داد که رویکردهای محدودکننده و مبتنی بر حذف و سانسور ظرفیت اندکی برای مدیریت این پدیده دارند و حتی گاه باعث بروز رسانه‌های زیرزمینی می‌شوند؛ در مقابل، حکمرانی مشارکتی، تبلیغ معارف، تقویت سواد رسانه‌ای، گفت‌وگوی اجتماعی، بازنمایی متوازن و حمایت از رسانه‌های حرفه‌ای مستقل، ظرفیت بیشتری برای مدیریت شکاف‌های فرهنگی و کاهش تعارضات گفتمانی دارد؛ بنابراین پادفرهنگ رسانه‌ای پدیده‌ای مرتبط با سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی و رسانه‌ای است و مواجهه با آن به نظامی چندسطحی، مشارکتی و مبتنی بر رصد و تحلیل مستمر نیاز دارد.

واژگان کلیدی

پادفرهنگ، سیاست‌گذاری فرهنگی، صنایع خلاق، اقتصاد رسانه، خبر.

مقدمه

پادفرهنگ به مثابه یکی از مفاهیم مهم در مطالعات راهبردی فرهنگ، به عنوان الگوهای معنایی، هنجاری و سبک‌های زیستی شناخته می‌شود که در نسبت انتقادی یا تعارض‌آمیز با فرهنگ مسلط شکل می‌گیرند. در ادبیات جامعه‌شناسی فرهنگ، پادفرهنگ حتماً به معنای انحراف یا طرد نظم اجتماعی نبوده و نوعی واکنش نمادین به نابرابری‌ها، سازوکارهای سلطه یا تحولات ساختاری در جامعه است. از این منظر، پادفرهنگ‌ها بخشی از فرایند پویایی فرهنگی‌اند و در بستر هم‌کنشی‌های اجتماعی، رسانه‌ای و سیاسی بازتولید می‌شوند.

رسانه‌های خبری در دهه‌های واپسین یکی از مهم‌ترین بسترهای بازنمایی و بازتولید پادفرهنگ‌ها هستند. گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و تحول در الگوهای مصرف خبر، مرز میان فرهنگ رسمی، فرهنگ عامه و پادفرهنگ‌ها را سیال کرده است. رسانه‌های خبری نقش انتقال اطلاعات، ادراک سازی و تولید معنا، چارچوب‌بندی گفتمان‌ها و مشروعیت‌بخشی به سبک‌های متفاوت زیست‌فرهنگی را بر عهده دارند. با وجود گسترش مطالعات راهبردی فرهنگ و رسانه در ایران، بررسی ادبیات موجود نشان‌دهنده خلأ جدی در طراحی تحلیل شاخص‌محور برای شناسایی و سنجش مؤلفه‌های پادفرهنگی در محتوای رسانه‌ای است. این خلأ موجب شده ارزیابی سیاست‌های رسانه‌ای و تحلیل روندهای فرهنگی بر برداشت‌های تفسیری استوار باشد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، فقدان یک نظام شاخص‌گذاری منسجم برای شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های پادفرهنگی در رسانه‌های خبری است. این پژوهش با رویکرد سیاست‌پژوهی فرهنگی، به دنبال صورت‌بندی شاخص‌هایی تحلیلی است که الگوهای بازنمایی پادفرهنگ را تبیین کند و در مطالعات آتی و تصمیم‌گیری‌های سیاستی کاربرد یابد. نوآوری پژوهش در گذار از مواجهه ارزشی هنجاری به تحلیل مفهومی سیاستی است (ابیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۰۱).

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

شاخص‌های پادفرهنگ در صنایع اطلاع‌رسانی و خبر چیست؟

سؤال‌های فرعی

چه عواملی باعث پیدایش پادفرهنگ در جامعه می‌شود؟
گفتمان‌های مسلط چه نقشی در پیدایش پادفرهنگ دارند؟
آیا شیوه‌ها و سبک‌های روزنامه‌نگاری ویژه بازنمایی انتقادهای و اعتراض‌های پادفرهنگی وجود دارد؟
فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات چه تأثیری در انتقال پیام‌های پادفرهنگی داشته‌اند؟

مرور ادبیات و پیشینه سیاست‌پژوهی

ادبیات نظری پادفرهنگ ریشه در واکنش‌های فرهنگی به سلطه، نابرابری‌ها و شکاف‌های نسلی دارد. از منظر جامعه‌شناسی پادفرهنگ‌ها بخشی از پویایی فرهنگی‌اند و از طریق رسانه‌ها بازتولید می‌شوند. در حوزه رسانه، تمرکز بر بازنمایی، رمزگذاری معنایی و دلالت‌سازی است.

رویکردهای سیاستی به پادفرهنگ را می‌توان در سه دسته کنترل‌محور (تأکید بر نظارت و محدودیت) (McQuail, 2010)، تنظیم‌گرانه (مدیریت تعارض و توازن تنوع) و حکمرانی مشارکتی (رصد، سواد رسانه‌ای و گفت‌وگو) طبقه‌بندی کرد (Bennett, 1992).

تجربیات بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، مقررات محتوای مضر در بریتانیا و یونسکو برای تنوع فرهنگی (Napoli, 2023)، بر داده‌محوری، شفافیت الگوریتم‌ها، تعادل آزادی بیان و مقابله با اخبار جعلی تأکید دارند (Cesarini, 2026: 551).

در ادبیات سیاست‌گذاری فرهنگی، پادفرهنگ بخشی از مسئله حکمرانی فرهنگی است (Miller & Yúdice, 2002). رسانه‌های خبری به مثابه سازوکار تنظیم فضای نمادین جامعه، ظهور پادفرهنگ‌ها را موضوعی از جنس سیاست فرهنگی، تنظیم‌گری رسانه و مدیریت تنوع فرهنگی کرده‌اند. بسیاری از کشورها به جای رویکرد سلبی، به رصد داده‌محور و تنظیم‌گری نرم روی آورده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران نیز اسناد بالادستی مانند سند مهندسی فرهنگی کشور و سیاست‌های کلی فضای مجازی بر پایش فرهنگی تأکید دارند، اما همچنان مبنایی شاخص‌محور برای تحلیل پادفرهنگ در رسانه‌های خبری وجود ندارد (قیدرلو، وجدانی و جانقربان، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های اخیر (۲۰۲۰-۲۰۲۶) بر نقش الگوریتم‌ها در ایجاد اتاق‌های پژواک، تقویت قطبی‌سازی و گسترش پادفرهنگ‌های آنلاین تمرکز کرده‌اند (Bovet & Makse).

(2019). این مرور بر نیاز به شاخص گذاری برای گذار از توصیف به سنجش سیاستی صحنه می گذارد.

روش پژوهش

این پژوهش کیفی اکتشافی با رویکرد سیاست پژوهی است. داده ها از دو منبع اصلی گردآوری شدند: تحلیل اسنادی (۳۱ مقاله و ۸ چکیده از پایگاه های Science-، MagIran، SID، Direct و غیره با کلیدواژه های Counter-Culture و پادفرهنگ، دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۴) و مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۳ خبره (استادان حوزه علمیه و دانشگاه، مدیران رسانه و پژوهشگران با حداقل ۱۰ سال تجربه اجرایی و پژوهشی در سیاست گذاری فرهنگی یا رسانه). مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت تا آنجا که داده های جدید، مقوله تحلیلی تازه ای ایجاد نمی کردند. این شیوه تحلیل، پیوندی ژرف میان داده های تجربی و نتایج نظری تحقیق برقرار می کند (شیخ زاده و بنی اسد، ۱۳۹۹: ۲۴).

تحلیل مضمون با سه سوسازی داده ها (مصاحبه، اسناد و نظریه) و رویکرد سیاست پژوهی (تحلیل ذی نفعان و سیستم ها) انجام و اعتبار پژوهش از طریق بررسی همتا و شفافیت روش شناختی تضمین شد. همچنین داده های مصاحبه با تحلیل سیاست فرهنگی تفسیر شد. تمرکز بر صورت بندی مسئله پادفرهنگ در رسانه های خبری، سازوکارهای تنظیم گری و خلاهای رصد فرهنگی بود. پادفرهنگ به عنوان مسئله سیاستی در حکمرانی فرهنگی و رسانه ای تعریف شد (Majchrzak, 1984: 37) تا از طریق تحلیل نظام مند شواهد، پیامدهای احتمالی و گزینه های سیاستی مرتبط شناسایی شوند (Bardach & Patashnik, 2019: 62). در این پژوهش، ابتدا مسئله صورت بندی شد، سپس با تحلیل محتوای کیفی بررسی (Dunn, 2017) و یافته ها به صورت گزینه های سیاستی جایگزین دسته بندی شدند تا برای تصمیم گیران قابل استفاده باشد. هدف، پیوند دانش نظری با مداخلات عملی بود (Weimer & Vining, 2017).

چارچوب مفهومی

یکی از مفاهیم اساسی که در کنار فرهنگ پیش کشیده می شود، فرهنگ های مضاف مانند فرهنگ شکن و اضافه های به فرهنگ مانند پادفرهنگ، خرده فرهنگ و حاشیه فرهنگ ها هستند که درون یا پیوسته بافرهنگ بزرگ تر و اصلی حاکم بر جامعه قرار دارند.

پادفرهنگ

فرهنگ آکسفورد «پادفرهنگ»^۱ را شیوه‌ای از زندگی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها تعریف کرده که در رودرویی با ارزش‌های اکثریت جامعه قرار دارد. این واژه در مورد افرادی که با این ارزش‌ها زندگی می‌کنند هم به کار برده می‌شود.

از منظر علوم اجتماعی، پادفرهنگ نوعی از پراکندگی (شکسته و ریزه شدن) و انکسار در قلب اجتماعی شناخته می‌شود که در ناسازگاری با ارزش‌ها و هنجارهای رایج در جامعه قرار دارد و بیشتر معلول شکاف نسلی است. پادفرهنگ از منظر جامعه‌شناسان واکنش فرهنگی گروه‌هایی است که در برابر محرومیت، ناکامی یا سلطه فرهنگ مسلط سر برمی‌آورند و در تقابل با فرهنگ غالب قرار دارند و با ارزش‌ها و هنجارهای انسانی و دینی جامعه در تضاد هستند (قیدرلو، وجدانی و جانقربان، ۱۴۰۲: ۱۰۲).

از منظر علوم سیاسی، پادفرهنگ‌ها به ارزش‌ها و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معترض بوده و به عنوان یک راه اعتراض به وضعیت کنونی ظاهر می‌شوند. در فرهنگ مسلط و هژمونیک، هنجارها سازه‌هایی هستند که توسط گروه‌های اجتماعی حاکم ایجاد می‌شوند تا نظم اجتماعی مطلوب را برای حفظ منافع خود برقرار کنند. این هنجارها رفتارهای «عادی» را تعریف و تقویت و رفتارهای «انحرافی» را سرکوب می‌کنند. از منظر مطالعات روابط بین‌الملل، پادفرهنگ‌ها به عنوان مقاومتی در برابر هژمونی و ناتوان‌سازی نظم اجتماعی تثبیت‌شده شکل می‌گیرند. آن‌ها جریان اصلی را به عنوان مقاومتی در برابر هنجارهای اجتماعی تثبیت‌شده طرد و هویت خود را پیرامون هنجارهای ناهمگون تعریف می‌کنند. پادفرهنگ‌ها با ایجاد قدرت دوسویه فرهنگی، از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی چیره فاصله می‌گیرند و به عنوان نیرویی دگرگون ساز در برابر آن‌ها عمل می‌کنند (Amine & Jounaid, 2020: 2).

از منظر صنایع خلاق و هنر، اصطلاح پادفرهنگ برای اشاره به گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی به کار می‌رود که خارج از جریان غالب اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و گاه در هم‌سویی با آن عمل می‌کنند. پادفرهنگ به عنوان یک واحد نسلی در نظر گرفته می‌شود که نمایانگر فرهنگ جوانی است. این فرهنگ مفاهیم سنتی مانند شغل، تحصیلات و اخلاق را به چالش کشیده و در پی یافتن هویتی خارج از نقش‌های شغلی یا خانوادگی مرسوم است (Shuker, 1998: 70).

از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، پادفرهنگ به آن چیزی گفته می‌شود که برای اعضای

یک جامعه شناخته شده است، اما در برابر فرهنگ اصلی آن‌ها قرار می‌گیرد. فرهنگ که به عنوان فضای درونی و نشانه‌ای شده^۱ در نظر گرفته می‌شود، پادفرهنگ در برابر آن قرار می‌گیرد. آنگاه که جامعه بخش نوینی از جهان را کشف می‌کند، مانند یک قاره نو، گونه تازه‌ای از اشعه یا روشی نوین برای تولید مواد ترکیبی، رمزگان ابتدایی‌ای را معرفی می‌کند که پاره‌های دگرسان این جهان را واقعیت‌های پادفرهنگی می‌کند. این رمزگان باید شناسایی، نام‌گذاری و با عناصر شناخته‌شده جهان پیوست شوند. به باور لوتمان، فرهنگ در برابر پادفرهنگ قرار دارد. پادفرهنگ نیز به عنوان نظامی نشانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که بیان خاص خود را دارد. پادفرهنگ به مثابه فرهنگی با نشانه‌ای منفی درک می‌شود، به گونه‌ای که تصویری آینه‌ای از فرهنگ اصلی ارائه می‌کند (شاه میری، ۱۳۹۵: ۹۲).

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های پادفرهنگ در چهار کلان‌متغیر نظام‌مند شده‌اند:

شاخص‌های انگیزشی روان‌شناختی

انگیزه‌ها نیروهای درونی هستند که افراد را به پاسخ‌دهی خاص به شیء یا پدیده‌ها سوق می‌دهند و با مقیاس‌هایی مثل «خوب بد» و «مطلوب نامطلوب» سنجیده می‌شوند (MacKenzie, Lutz & Belch, 1986: 139). در پادفرهنگ‌های اعتراضی، فشار هم‌تایان و ارتباطات اجتماعی نقش مهمی در جذب افراد دارد؛ هرچه تعداد منتقدان فرهنگ حاکم بیشتر شود، پیوستن به پادفرهنگ‌ها جذاب‌تر می‌شود (DeNardo, 1985: 87). گرایش به کمال‌گرایی ناسالم با استانداردهای غیرواقعی، ترس از شکست، خودسرزنی و کاهش اعتمادبه‌نفس افراد را به‌سوی پادفرهنگ‌ها می‌کشاند (گولدربرگ و آدرهولد، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۱). موفقیت این پادفرهنگ‌ها به انگیزه‌های فردی، تعداد اعضا و تعاملات اجتماعی‌شان بستگی دارد (سهرابی، ۱۳۹۴: ۳).

روان‌شناسی اعتراض توضیح می‌دهد پادفرهنگ‌ها در واکنش به سلطه و محدود شدن حق قضاوت مستقل شکل می‌گیرند. سلطه برداشت‌ها و رفتارها را تحریف و احساس بی‌عدالتی ایجاد می‌کند. این پادفرهنگ‌ها باهدف مقابله با ستم و اصلاح برداشت‌های نادرست از اعتراض شکل می‌گیرند. رشد اعتراض آگاهانه نیازمند آموزش، مهارت‌های مقابله و استفاده از رسانه برای افزایش آگاهی و پیشگیری از سلطه‌پذیری است (اسمیت، ۱۳۹۵: ۵-۱۰).

انتشار نظریه‌های توطئه

دل‌بستگی به تئوری‌های توطئه بخشی از طبیعت انسانی است. از قرون وسطی تا امروز، سیاستمداران و مردم عادی ناکامی‌ها و رویدادهای پیچیده را با توطئه دشمنان توضیح می‌دهند. هرچند برخی تئوری‌ها درست از آب درآمده‌اند، بیشتر آن‌ها نادرست هستند. القای فقدان کنترل، باور به تئوری‌های توطئه سازمانی و سیاسی را افزایش می‌دهد (Prooijen & Douglas, 2018: 897). این باورها ریشه در نیاز به کنترل، اضطراب، سوءظن، خودشیفتگی و تفسیر ساده‌انگارانه دارند (Byford, 2011: 137). احساس عدم کنترل، باور به توطئه را تقویت می‌کند. در گروه‌های دوقطبی، این باورها شکوفا شده و پادفرهنگ‌ها، جنبش‌های اعتراضی و انتقاد از رسانه‌ها و قدرت‌های پنهان را شکل می‌دهد (Pipes, 1997: 143).

هویت‌های جعلی و گمنام

نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی، کاربران پادفرهنگ‌ها را به استفاده از هویت‌های جعلی و ناشناس در شبکه‌های مجازی می‌کشاند و نوجوانان بیشتر در معرض مقایسه خود با دیگران قرار دارند و این مقایسه‌ها حس نارضایتی از زندگی را افزایش می‌دهد (مرادی، ۱۴۰۰). این فضا با فراهم کردن آزادی بیان و مقایسه‌های اجتماعی، نارضایتی از فرهنگ غالب را تقویت کرده و پادفرهنگ‌های آنلاین مخالف و منتقد را شکل می‌دهد (Orben et al., 2022).

نشر اکاذیب

پادفرهنگ‌ها با انگیزه قوی برای مقابله با فرهنگ حاکم، از نشر اکاذیب به عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن روایت‌های رسمی استفاده می‌کنند. آن‌ها با برجسته کردن نابرابری‌ها، فساد و ناکارآمدی‌ها، آگاهی عمومی را بالا برده و فشار بر نهادهای قدرت را افزایش می‌دهند (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۴۷۶). این کنش‌ها هویت جمعی قوی‌تر را در درون گروه ایجاد و فضایی برای رشد ارزش‌ها و دیدگاه‌های جایگزین ایجاد می‌کند و به دنبال دگرگونی اجتماعی است.

افشاگری

افشاگری در رسانه‌ها که بیشتر ذیل مفهوم سوت‌زنی^۱ بررسی می‌شود، به اطلاع‌رسانی عمومی درباره فساد، نقض قانون، سوءاستفاده از قدرت یا تخلف‌های دولت یا

اشخاص گفته می‌شود که توسط منتقدان انجام می‌شود و ابزاری مهم برای مبارزه با فساد و افزایش شفافیت است. نمونه آن، گزارش افشاگری کاترین گان درباره تلاش آمریکا و انگلیس برای گردآوری اطلاعات درباره اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد است (Shore & Wright, 2022: 169). رسانه‌ها برای جذب مخاطب سراغ افشاگری می‌روند؛ از حریم شخصی مردم تا اسرار حکومتی. این روزها افشاگری علیه افراد مشهور فراوان شده و خیلی‌ها بدون خط قرمز آبروی سلبریتی‌ها را می‌برند. گزارش خبری برای رو کردن فسادهای جافتاده و سوءاستفاده مسئولان متخلف، بستر مناسبی است (محقق، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

اشاعه فحشا

گروه‌های پادفرهنگ برای نشان دادن اعتراض به فرهنگ مسلط، گاه سراغ اشاعه محتوای خلاف عفت عمومی می‌روند. فیلم، عکس یا متنی که هنجارهای اخلاقی را می‌شکنند، برایشان ابزاری برای جلب توجه و شکستن تابوها می‌شود. نمونه‌اش در جنبش‌های اعتراضی جهان دیده می‌شود؛ از کمپین‌های فمینیستی با هشتگ‌هایی مثل #WomenWave گرفته تا جنبش سبز که با عادی‌سازی رفتارهای غیرمعارف و حمایت از گروه‌هایی مثل همجنس‌گرایان، سعی در به چالش کشیدن ارزش‌های فرهنگی داشت (رضایی، ۱۳۹۳).

اخلال در نظام

گاه پادفرهنگ‌ها با انگیزه‌هایی برای پدیدآوری نارضایتی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اقدام به اخلال در نظام جامعه می‌کنند. پادفرهنگ‌ها که به نابرابری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی معترض هستند، با ایجاد اختلال در نظم عمومی تلاش می‌کنند توجه جامعه را به مشکلاتی مانند فقر، تبعیض و فساد جلب کنند. با گسترش رسانه‌های اجتماعی، پادفرهنگ‌ها قادرند پیام‌های خود را سریع‌تر و گسترده‌تر منتشر کنند. عامل روان‌شناختی پادفرهنگ‌ها برای رویارویی با فرهنگ مسلط، ایجاد هرج و مرج در جامعه، ایجاد رعب و وحشت و ناامنی و برهم زدن بنیاد زیست‌بوم و نظامات اجتماع است.

فرقه‌گرایی

فرقه‌گرایی^۱ به معنای گرایش به تشکیل گروه‌های کوچک و منزوی با باورها و هنجارهای

ناهمگون از جامعه است. در جامعه‌ای که آموزش و تربیت عقلانی به اندازه کافی قوی نیست، افراد بیشتر تحت تأثیر برداشت‌های لحظه‌ای و تصمیم‌های غیرمنطقی قرار می‌گیرند و احتمال پیوستن آن‌ها به فرقه‌ها افزایش می‌یابد (خدابنده، ۱۳۸۸: ۳). Top of Form و بر، جنبش کوئیکر^۱ را نمونه‌ای از فرقه‌ای می‌داند که بر ارزش‌های خاص تأکید دارد. اعضای این جنبش حتی در رودرویی با فشارهای اجتماعی حاضر به سازش با ارزش‌های خود نبودند (Loader & Alexander, 1985: 1-6). یکی از نمونه‌های انگیزه‌های روان‌شناختی پادفرهنگ‌ها از فرقه‌گرایی، پیدایش فرقه‌های دینی نوظهور است. گروه‌هایی مانند ساینتولوژی^۲ و فرقه ضاله بهائیت باورها و شیوه‌های زندگی خاصی دارند و در برابر دین‌های آسمانی قرار می‌گیرند.

دشنام و ناسزاگویی

پادفرهنگ‌ها در رسانه با به کارگیری فحاشی و ناسزا خشم و اعتراض خود را به نابرابری‌ها و فرهنگ مسلط بیان می‌کنند. این زبان تند برای جلب توجه تحریک تنش اجتماعی نمایش قدرت و ایجاد هویت جمعی به کار می‌رود و به عنوان نوعی مقاومت فرهنگی و چالش هنجارهای زبانی شناخته می‌شود (ملک شیخی، ۱۴۰۳). ادبیات واهی و دشنام‌گویی امروزه در مجلات زرد^۳ و نشریه‌های لمپن^۴ آشکارا دیده می‌شود.

تمسخر

پیام‌های تمسخرآمیز که به صورت لطیفه یا شوخی منتشر می‌شوند، ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه را به چالش می‌کشند و به انسجام اجتماعی و وحدت ملی آسیب می‌زنند. این نوع رفتارها نشان‌دهنده جایگزینی ارزش‌های فردی، منفی و رقابتی (حسادت، خودبزرگ‌بینی، کینه‌توزی) بر ارزش‌های جمعی و همبستگی اجتماعی است؛ بنابراین، تمسخر بازتاب‌دهنده مخالفت با فرهنگ مسلط است و به عنوان شاخصی عملی و رفتاری از پادفرهنگ عمل می‌کند که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و مخاطبان را به مشارکت یا پذیرش هنجارشکنی‌های فرهنگی سوق می‌دهد (پویا، ۱۳۹۱: ۱۹۵-۱۹۶).

هتک

هتک نوعی پرده‌داری باهدف تجاوز به اشخاص و جریحه‌دار کردن افکار عمومی است. این مفهوم دربردارنده انواع افترا و توهین است (لنگرودی، ۱۳۴۶: ۱۸۲). یکی از شاخص‌های انگیزشی پادفرهنگ‌ها برای روبه‌رویی بافرهنگ حاکم، توسل به انواع هتک از گذر رسانه‌ها است. در هتک، نیت خاص ایراد لطمه و توهین هنگام تهیه، تنظیم و انتشار خبر درباره شخص خاصی اخذ شده است. گاه این عمل از طریق افترا انجام می‌شود. «افترا» به معنای از پیش خود بافتن و جعل مطالب خلاف واقع و نسبت دادن آن به شخص محترمی است. این اصطلاح به معنی جعل دروغ و چیزی از خود درآوردن است (قرشی، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

شاخص‌های ساختاری

ساختار^۱ در جامعه‌شناسی به الگوی روابط و کنش‌های اجتماعی اشاره دارد و با ایجاد چارچوب‌های هنجاری، نظم و ثبات را حفظ می‌کند (Gallon, 1987: 87). شاخص‌های ساختاری برای سنجش نظام اجتماعی و روابط آن به کار می‌روند (Furceri & Mourou- gane, 2010: 205) و با روش‌های تحلیلی بررسی می‌شوند (Jarvis, Mackenzie & Pod-sakof, 2003: 199-203). منظور از شاخص‌های ساختاری پادفرهنگ آن دسته از متغیرها و سنجه‌هایی است که به‌صورت نظام‌مند در قالب اقسام فرم‌های روزنامه‌نگاری، محتواهای انتقادی و اعتراضی پادفرهنگ‌ها را پس از تولید، اطلاع‌رسانی و منتشر می‌کند.

روزنامه‌نگاری جایگزین^۲

«جایگزین» در روزنامه‌نگاری به معنای رسانه‌هایی است که خارج از جریان اصلی یا در برابر آن عمل می‌کنند. دو دیدگاه اصلی وجود دارد: یکی آن‌ها را مکمل رسانه‌های اصلی می‌داند و دیگری آن‌ها را چالش‌گر هژمونی و سلطه رسانه‌های غالب می‌بیند. ادبیات غالب، دیدگاه دوم را پذیرفته و رسانه‌های جایگزین را رادیکال^۳ و مخالف سلطه می‌داند (الوندی، ۱۳۸۹: ۸۹). این روزنامه‌نگاری ریشه در اعتراض‌های تاریخی اروپا دارد و امروزه توسط جوانان، اقلیت‌ها و مستضعفان برای شورش علیه انحصار رسانه‌های بزرگ به‌خصوص امپراتوری صهیونیسم جهانی به کار گرفته می‌شود. در فضای مجازی، با پلتفرم‌هایی مانند ویکی‌پدیا و Reddit، الگوی تازه‌ای از پادفرهنگ

1. Structure.

2. Alternative Journalism.

3. Radical Media.

رسانه‌ای شکل گرفته است (جهانشاهی، ۱۳۹۳: ۹).

روزنامه‌نگاری مستقل

روزنامه‌نگاری مستقل^۱ و غیروابسته ساختاری از خبررسانی است که در آن رسانه‌ها و خبرنگاران بدون تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به فعالیت می‌پردازند. این استقلال به خبرنگاران اجازه می‌دهد تا بدون ترس از پیامدها، آنچه حقیقت می‌دانند، منتشر کنند. استقلال به معنای عدم وابستگی به واری‌های خارجی است. این مفهوم، رهایی از رخنه دیگران و توانایی یک فرد یا نهاد را برای تصمیم‌گیری و عمل بر پایه منطق و اراده خود دربر دارد. به عنوان یک اصل هنجاری، استقلال را می‌توان در سطوح گوناگون تحلیل موردبررسی قرار داد و به چارچوب‌ها و گفتمان‌های گونه‌گونی مرتبط کرد. ژورنالیسم مستقل به عنوان یک دیدگاه آرمان‌گرایانه از نقش رسانه در جامعه برای کسانی که آن را تنظیم می‌کنند، مالک آن هستند، در درون آن کار می‌کنند و حتی آن را مطالعه می‌کنند، عمل می‌کند (Karpinen & Moe, 2016: 109).

روزنامه‌نگاری تحقیقی

در دهه ۱۹۲۰، والتر لپمن^۲ برای مقابله با اخبار جنجالی، «روزنامه‌نگاری عینی»^۳ را معرفی کرد که بر حقایق تمرکز داشت. این روند در دهه ۱۹۷۰ با افشاگری‌هایی مانند اسناد پنتاگون، فعالیت‌های غیرقانونی سیا و رسوایی واترگیت^۴ به «روزنامه‌نگاری تحقیقی»^۵ نامیده شد (معتدناژاد، ۱۳۹۲: ۴۸۴-۴۹۰). روزنامه‌نگاری تحقیقی بدون اتکا به منابع رسمی، به افشای فساد، نقض قوانین و مسائل پنهان صاحبان قدرت می‌پردازد و وفادار به حقیقت، عدالت و اخلاق است (شکرخواه، ۱۳۸۷: ۱۶۹). در ایران به دلیل ساختار قدرت و مالکیت رسانه‌ها، این نوع روزنامه‌نگاری هنوز ضعیف و با گزارش عمقی اشتباه گرفته می‌شود (فرقانی، ۱۴۰۳: ۲۹۷-۳۰۳). این سبک به دلیل تمرکز بر مسائل ژرف و کمتر شنیده شده، موردتوجه پادفرهنگ‌ها قرار گرفته است؛ زیرا صدای گروه‌های حاشیه‌ای را نمایندگی کرده و مطالبات و رنج‌های نادیده اقلیت‌ها را بازتاب می‌دهد (دلیران، ۱۴۰۱: ۵۹-۶۱).

1. Independent journalism.
2. Walter Lippman.
3. Objective Journalism.
4. Watergate.
5. Investigative journalism.

روزنامه‌نگاری انتقادگرا

روزنامه‌نگاری انتقادگرا، دومین گرایش مهم روزنامه‌نگاری آمریکایی است که در دهه ۱۹۶۰ م با انتقادهای و اعتراض‌های گوناگون علیه نظام حاکم در آمریکا، ایجاد شده و به‌جای عینیت‌گرایی، بر مسئولیت و تعهد رسانه‌ها تکیه دارد؛ لذا روزنامه‌نگاری متعهد یا مدافعه‌گر نیز نامیده می‌شود. شکل‌ها، شیوه‌ها و انواع این روزنامه‌نگاری عبارت‌اند از: روزنامه‌نگاری زیرزمینی^۱ (اعتراض‌گر از سوی دانشجویان و روشنفکران)، روزنامه‌نگاری متعهد^۲ (مبارز، مدافعه‌گر^۳، مشارکت‌جو^۴)، روزنامه‌نگاری نوین^۵ (ادبیات داستان‌های تخیلی در بیان رویدادها در مجلات؛ واقعیت عینی خبرنگار+ واقعیت ذهنی داستان‌نویس) (معمدنژاد، ۱۳۹۲: ۴۸۲-۴۹۸).

روزنامه‌نگاری بولتنی

روزنامه‌نگاری بولتنی^۶، نوعی خبررسانی نوین است که بر انتشار اخبار محرمانه، پشت‌پرده تحولات قدرت، تصمیمات الیگارش و جریان‌سازی نرم تمرکز دارد. بسیاری از این رسانه‌ها بدون مجوز و هویت علنی فعالیت می‌کنند تا از پاسخگویی قانونی فرار کنند. برخی رسانه‌های دارای مجوز نیز با فروش خبر ویژه به مقامات و رسانه‌های خارج‌نشین با انتشار رازهای نظام، از این روش برای درآمدزایی و فشار سیاسی استفاده می‌کنند (محقق، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۷۲).

رسانه‌های زیرزمینی

رسانه‌های زیرزمینی در روزنامه‌نگاری جایگزین، خارج از جریان اصلی و در شرایط محدودیت آزادی بیان شکل می‌گیرند. این رسانه‌ها منتقد هژمونی رسانه‌های اصلی هستند و توسط پادفرهنگ‌ها، جوانان، اقلیت‌ها و مستضعفان برای شورش علیه انحصار رسانه‌ای غول‌ها خصوصاً امپراتوری رسانه‌ای صهیونیسم استفاده می‌شوند. آن‌ها با پرداختن به مسائل نادیده گرفته‌شده، هویت مخالف و گفتمان انتقادی را تقویت می‌کنند.

1. Underground Press.

2. Activist Journalism.

۳. موضع‌گیری گزارشگران و مقاله‌نویسان مانند وکلای دعوی، درباره رویدادها.

۴. مشارکت فعالانه روزنامه‌نگاران در جریان رویدادهای سیاسی و اجتماعی مورد علاقه خود.

5. New Journalism.

6. Bulletin journalism.

الگوریتم‌ها و اتاق‌های پژواک در فضای مجازی

الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی با نمایش محتوایی همسو با باورهای قبلی کاربران، «اتاق‌های پژواک»^۱ ایجاد می‌کنند (Makse, 2019: 9 & Bovet). این فضا که در آن افراد با اطلاعات، دیدگاه‌ها و منابعی مواجه می‌شوند که باورهای پیشین آنان را تأیید و تکرار می‌کنند و در نتیجه، تماس با دیدگاه‌های رقیب یا ناهمسو کاهش می‌یابد، برای پادفرهنگ‌ها بسیار مطلوب است، زیرا عقاید مخالف فرهنگ مسلط را تقویت کرده و قطبی‌سازی را افزایش می‌دهد. اتاق‌های پژواک با سوءاستفاده از سوگیری تأیید^۲ و ایجاد آبشارهای سایبری^۳، دیدگاه‌های مخالف را تقویت و تقسیمات ایدئولوژیک را به دنیای واقعی منتقل می‌کنند (Sunstein, 2017). این پدیده در شبکه ایکس (توییتر سابق) فارسی و در رویدادهای تنش‌زا مانند ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و حمله به بیمارستان المعمدانی در غزه، اجرا شد (شهیدی، ۱۴۰۴: ۱۵).

شاخص‌های کنشی

کنش اجتماعی، رفتاری هدفمند و معنادار است که تحت تأثیر ارزش‌ها، هنجارها و شرایط اجتماعی انجام می‌شود و به‌صورت موجی گسترش می‌یابد (Miller, 2001). جامعه‌شناسی اعتراض، پادفرهنگ‌ها را به‌عنوان موجودیت‌های نكوهش‌گر علیه الیگارشی و فرهنگ مسلط بررسی می‌کند. این کنش‌ها ریشه در آگاهی طبقاتی داشته و با کنش انتقادی علیه سلطه و محرومیت، به دنبال نابودی تاریخ‌مندی سلطه‌گر و ایجاد آگاهی جمعی هستند (تورن، ۱۴۰۱: ۱۴۹).

زردنویسی

لُمنپنسم به نوعی منش و کنش اجتماعی اشاره دارد که با خشونت، بی‌اعتنایی به هنجارهای مدنی، تحقیر مخالفان، فرصت‌طلبی و جایگزین کردن زور و هیجان به جای استدلال و سازمان‌یافتگی نهادی شناخته می‌شود. در جامعه‌شناسی سیاسی، لُمن‌ها، گروه‌های ممتازی از افراد فرودست هستند که در شهرهای بزرگ حضور دارند و درگیر انواع جرائم و بزهکاری‌ها هستند. این افراد از حاشیه‌های جامعه کسب روزی می‌کنند (مارکس، ۱۳۹۳: ۳۳). زرد نویسی^۴ یا لُمنپنسم^۵، خبررسانی جنجالی و عوام‌پسند با

تیت‌های درشت و محتوای سطحی است که قشرهای فرودست را جذب می‌کند و فاقد ارزش حرفه‌ای است. نشریه‌های زرد،^۱ که با عناوین «نشریه‌های عامه‌پسند»^۲ یا «روزنامه‌نگاری زرد»^۳ شناخته می‌شوند، در سه شکل تجاری، سیاسی و خودنمایانه ظاهر می‌شود که ریشه آن به دهه ۱۸۹۰ غرب می‌رسد (United States Department of State, 2024) و در کشور ما با رقابت رسانه‌ای و غلبه فرهنگ سرگرمی تقویت و موجب شده است بسیاری از اخبار مهم در سایه این جذابیت‌سازی‌های سطحی گم شوند (مهدیان، ۱۳۹۹: ۲۰۲-۲۰۴).

نقد

نقد،^۴ بر این پیش‌فرض بنا شده است: «توانایی عقل در بر ملا کردن خطا» (طلال و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴). قالب نقد در پی دگرسانی نگرش مخاطب بوده، عنصر پایه‌ای آن، تحلیل رویداد است. هر نقد خوب باید بتواند در بین مخاطبان، جریان‌سازی کند. گاه منتقد، جریان نو و غیرمعمول می‌سازد (لر، ۱۴۰۲: ۱۸۷). نقدنویس باید صدای حاشیه‌ها را بازخوانی کند. نقد از رنج و سکوت برمی‌خیزد. رسانه‌ها از آن برای انعکاس دیدگاه‌های پادفرهنگ‌ها استفاده می‌کنند. حذف نقد، رسانه را مملو می‌کند (معمدنژاد، ۱۳۹۲: ۵۱۹). برخی برنامه‌های صداوسیما مانند «هفت»، «نود» و «جهان‌آرا» گاه در قالب نقد، صدای پادفرهنگ‌ها را بازتاب می‌دهند.

طنز

طنز عبارت است از متن یا سخنی که با استفاده از صورت ظاهری «فکاهی» به نقد فرد، اجتماع، اندیشه و هر چیز دیگری که قابل انتقاد باشد می‌پردازد. بیشترین هدف طنز از انتقاد، نشان دادن کاستی‌ها، بدی‌ها، مفاسد فرهنگ حاکم و توجه دادن مردم به آن‌ها و اصلاح آن‌ها است (محمدی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۰۰).

طنز در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران دارای اعتبار و پیشینه است؛ از طنزهایی با عنوان «چرند و پرند» نوشته علی‌اکبر دهخدا بانام مستعار «دخو» در روزنامه صوراسرافیل تا مجله گل‌آقا و ستون «گفت‌وشنود» روزنامه کیهان. تاریخ مطبوعات ایران شاهد طنز نویسان متعددی است که علیه سلطنت شاهان قاجار و پهلوی و در حمایت از پادفرهنگ

1. Yellow Press.
2. Pupular Press.
3. Yellow Journalism.
4. Critique, Critical Review.
5. Satire.

نکوهش‌گر به رژیم‌های ستم‌شاهی قلم می‌زدند.

کاریکاتور

کاریکاتور گونه‌ای از نقد تصویری تلطیف شده است که باعث اسباب رنجش خاطر طرف مقابل نمی‌شود و بامعنای مبالغه، طنز، انتقال مفاهیم انتقادی به صورت کنایی و همراه با شوخ‌طبعی همراه شده است. در کاریکاتورهای مطبوعاتی، برخلاف آثار نمایشگاهی، مسئله روزبه گونه طنز پیش کشیده و به مشکلات جامعه توجه می‌شود. قالب‌های خبری کاریکاتور، با اغراق، توهین یا بازنمایی خلاف واقع، هنجارها و ارزش‌های غالب جامعه را به چالش می‌کشند. بیشتر کاریکاتورها با انتقال پیام‌های ضدفرهنگی، کنش انتقادی و مقاومت فرهنگی را نشان می‌دهند.

هجو

هجو^۲ یا هجویه، در نگارش، نوعی «نقد» است که در آن، با هتاک و اهانت، یا به شیوه خصمانه، تند و زننده، به نکوهش و برشمردن کاستی‌ها و معایب شخص، گروه یا اندیشه‌ای پرداخته می‌شود (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۴). هجونویسی، با تقلیل شخصیت‌ها یا گروه‌ها، عملکرد و رفتار و هنجارهای رایج جامعه را به شکل تند و تخریبی بیان و مخاطب را به فرهنگ رسمی و رفتار نهادها حساس و با نقد و تمسخر قدرت‌ها و هنجارهای غالب، کنش فرهنگی مخالف ایجاد می‌کند.

بازنمایی رسانه‌ای^۳

وقتی رسانه‌ها با تصویرسازی منفی، اغراق‌آمیز یا یک‌جانبه گروه‌های پادفرهنگی جامعه را نمایش می‌دهند، آن‌ها به شکل طبیعی در واکنش به این طرد و انگاره‌سازی‌ها، هویت‌ها و ارزش‌های ویژه خود را می‌سازند که بافرهنگ مسلط و هنجارهای رسمی جامعه در تعارض قرار می‌گیرد. بازنمایی رسانه‌ای منفی و یک‌جانبه، محرکی برای شکل‌گیری پادفرهنگ‌هاست، چراکه گروه‌های طردشده در پاسخ، هویت و ارزش‌های خود را بازتعریف می‌کنند و در برابر فرهنگ مسلط موضع می‌گیرند. این بازنمایی‌ها باعث می‌شود که پادفرهنگ‌ها به عنوان کنش فرهنگی مخالف در برابر روایت‌ها و ارزش‌های فرهنگ پایه جامعه شکل بگیرند و از طریق هویت بخشی، مقاومت اجتماعی و تولید معنا، جایگاهی مستقل از هنجارهای غالب بیابند.

هنر خیابانی (گرافیتی)

هنر خیابانی^۱ یا گرافیتی^۲ نوعی بیان اعتراضی در فضای عمومی‌اند که هنرمندان پادفرهنگی از طریق آن نقدهای اجتماعی و سیاسی خود را مطرح می‌کنند. دولت‌ها این پدیده را انحراف تلقی کرده و با رویکردی سخت‌گیرانه در پی کنترل آن هستند (Stewart, 2008: 86). پژوهش‌ها نشان می‌دهد جوانان با فعالیت‌های خلاق فرهنگی هنجارهای سنتی را بازآفرینی و مرز میان هنجار و انحراف را دگرگون می‌کنند. این فرایند در چارچوب اصل ریزوماتیک^۳ پست‌مدرن، یعنی ساختارهای افقی و غیرسلسله‌مراتبی، قابل توضیح است. گرافیتی همچنین بازتاب شرایط اجتماعی محله‌های محروم و نوعی مقاومت نمادین در برابر سلطه فرهنگی و سیاسی است. این پادفرهنگ‌ها تلاش دارند ارزش‌های فرهنگ مسلط را به چالش بکشند و هویت مستقل خود را تثبیت کنند (Harding & Hepburn, 2014: 37).

هنر زیرزمینی

هنر زیرزمینی^۴ شکلی از هنر است که خارج از هنجارها و قالب‌های مرسوم جامعه و به شکل غیر آشکار تولید می‌شود. بیشتر به خاطر هنجارشکنی، غیررسمی بودن و مخفی بودن این گونه از هنر، به «زیرزمینی» شهرت یافته است (Becker, 1984: 83). این گونه، هنری بدون حمایت دولت یا رسانه‌های فرهنگی تولید و عرضه می‌شود و با هنجارهای مرسوم جهان هنری در هم‌ستیزی است. هنر زیرزمینی شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، تئاتر یا سینما است که به دلیل عدم رعایت ضوابط موجود یا عدم دسترسی به مجوزهای رسمی، در محیطی غیررسمی فعالیت دارد (انتظاری، ۱۳۹۳).

هنر خاکی

هنر خاکی^۵ در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در آمریکا شکل گرفت و هدف آن، تأکید بر وحدت هنر و طبیعت بود. هنرمندانی مانند رابرت اسمیتسون^۶ با استفاده از تجهیزات خاک‌برداری، چشم‌اندازهای طبیعی را تغییر داده و آثاری در مقیاس بزرگ آفریدند که تنها از گذر عکس و فیلم قابل‌نمایش بودند. در این گرایش، ایده و مفهوم

1. Street Art.

2. Graffiti.

3. Rhizomatic Learning.

4. Underground Art.

5. Land Art.

6. Robert Smithson.

هنری از خود اثر هنری اهمیت بیشتری داشت (دیانت و معنیراد، ۱۳۹۸: ۹۴). در اوایل دهه ۱۹۷۰، با بهبود وضعیت اقتصادی دولت، برخی هنرمندان به فضاهای طبیعی و محیطی روی آوردند که به دلیل پیشرفت‌های تمدنی فراموش یا تخریب شده بودند. این هنرمندان در واکنش به تجاری شدن هنر توسط موزه‌ها و گالری‌ها، آثار خود را در طبیعت اجرا کردند تا مخاطبان را مستقیماً با جهان طبیعی درگیر کنند. آنان یک جنبش مهم جهانی را ایجاد کردند که شامل عناصر مینیمالیسم، عکاسی، پرفورمنس، مجسمه‌سازی و هنر مفهومی است. لند آرت نخستین مروری جامع بر بسیاری از جلوه‌های بین‌المللی این نوع هنر و زمینه‌های فلسفی، جغرافیایی و فرهنگی است که از آن برخاسته است (Tufnell, 2007: 41).

شاخص‌های گفتمانی

شاخص‌های گفتمانی پادفرهنگ به تقابل میان فرهنگ مسلط و فرهنگ‌های مخالف در عرصه رسانه و اطلاع‌رسانی می‌پردازد. فرهنگ حاکم با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند رسانه، تبلیغات و مناسک، ارزش‌ها و مشروعیت خود را طبیعی و ضروری جلوه می‌دهد تا فرمان‌برداری اجتماعی را تثبیت کند (رمضانی، ناظمی اردکانی و پیروزمند، ۱۳۹۴: ۱۴۱). در مقابل، پادفرهنگ‌های اعتراضی با نقد اقتدار سلسله‌مراتبی، مشروعیت فرهنگ چیره را زیر سؤال می‌برند و آن را عامل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌دانند. این جریان‌ها گاه با سازمان‌دهی اعتراض‌ها و ترویج ایدئولوژی‌های آنارشستی، در پی تغییر نظام معنایی و ارزش‌های مسلط جامعه هستند (Rambo & Chan, 1990: 635).

تحریف و اخبار جعلی

بازیگران سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و داده‌های کاربران، اخبار جعلی را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی منتشر می‌کنند (Chan-Olmsted & Qin, 2021: 446). این روند اعتماد به رسانه‌های رسمی را کاهش داده، باورهای افراطی و پادفرهنگ‌های اعتراضی را تقویت می‌کند (Ordway, 2017). نمونه آن، نقش اخبار جعلی و داده‌کاوای کمبریج آنالیتیکا^۱ در شکل‌گیری پادفرهنگ ضد اتحادیه اروپا در جریان انتخابات برگزیت بریتانیا بود (Hajela, 2018).

اعتراض به سانسور

پادفرهنگ‌ها با اعتراض به سانسور، گفتمان اعتراضی خود را گسترش می‌دهند و

سانسور را مانعی برای بیان آزادانه ارزش‌هایشان می‌دانند. آنان با راهبردهایی مانند «قهر فعال»، اعتصاب، تحصن در برابر فرهنگ مسلط مقاومت می‌کنند (Ramirez, 2008: 8). نمونه آن، اعتراض‌های دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا در سال ۲۰۲۴ در حمایت از غزه و مخالفت با سیاست‌های دولت آمریکا و سانسور اخبار جنایات رژیم صهیونی در رسانه‌های آمریکا بود (The New York Times, 2024).

حق‌خواهی

حق‌خواهی به‌عنوان تلاش برای پیگیری حقوق اجتماعی و نظارت بر عملکرد نهادها، در شرایطی که سازوکارهای رسمی آن ناکافی یا مبهم است، به شاخصی برای پادفرهنگ‌های انتقادی و نکوهش‌گر در صنایع خبر و اطلاع‌رسانی تبدیل می‌شود. پادفرهنگ‌ها، از این سازوکار برای ابراز خواسته‌ها، دریافت پاسخ و فشار بر نهادها استفاده می‌کنند. نمونه‌های عینی این فرآیند شامل گزارشگری فساد مالی و اداری، مانند افشای فساد شهرداری تهران در دوران کرباسچی، اختلاس‌ها و حقوق نجومی و ایجاد سامانه‌های «سوت زنی» و «سجام» است که نشان‌دهنده نقش پادفرهنگ‌ها در بازنمایی و تقویت حق‌خواهی اجتماعی و کنشگری منتقدانه در برابر نهادهای رسمی است (شبانی، ۱۴۰۰: ۱۳).

مطالبه شفافیت

شفاف‌سازی نهادهای سیاسی از ابزارهای مهم مقابله با فساد است و پادفرهنگ‌ها با مطالبه شفافیت، عملکرد دولت‌ها را نقد می‌کنند. شفافیت منطقی، فساد، بهبود کارایی اقتصادی و کاهش تنش‌های سیاسی را در پی دارد (Lindstedt & Naurin, 2010: 306). بیشتر پادفرهنگ‌های شفافیت خواه در فرایند حقیقت‌یابی خود، از روش انتشار اطلاعات محرمانه، در پی شفافیت‌سازی هستند. برخی جریان‌های افشاگر با انتشار اطلاعات محرمانه و «شفافیت غیرکنترل‌شده» موجب بی‌اعتمادی و تنش اجتماعی می‌شوند. در مقابل، شفافیت کنترل‌شده از سوی نهادهای رسمی، گاه پنهان‌سازی پیچیده‌تر فساد را به همراه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد آزادی مطبوعات و شفافیت غیرکنترل‌شده با کاهش فساد همبستگی منفی دارد، درحالی‌که ساختارهای رسمی و نظام‌های سیاسی با توازن قوا و قوانین شفافیت، انگیزه‌های صداقت و فسادگریزی ایجاد می‌کنند و آثار آن به سطوح پایین‌تر حکومت انتشار می‌یابد (Lederman, Loay- 2010: 4-10; Linz & Stepan, 1996: 21). در این چارچوب، پادفرهنگ‌های

افشاگر شاخصی مهم برای افزایش پاسخگویی و محدودسازی فساد می‌شوند، زیرا با انتشار اطلاعات مستقل، ظرفیت جامعه برای نظارت و کنترل نهادهای رسمی را تقویت می‌کنند.

مطالبه پاسخگویی

پاسخگویی^۱ به معنای تعهد فرد یا نهاد به توضیح و توجیه اعمال خود در برابر دیگران است و شامل آثار حقوقی، سیاسی و اداری می‌شود (هیوز، ۱۳۸۹: ۲۸۲). نظام‌های پاسخگویی، با تبادل قدرت و مسئولیت میان دولت و مردم، به نظارت و کنترل سوءاستفاده از قدرت می‌پردازند (محمدیان، ۱۳۹۵: ۱۷). پادفرهنگ‌ها، جنبش‌های مدنی و اقلیت‌های فرهنگی، از طریق رسانه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، مسئولان و سیاستمداران را به پاسخگویی وادار و به‌عنوان شاخصی از کارکرد نظارتی جامعه عمل می‌کنند (Myers & Lacey, 1996: 21). نمونه عینی این عملکرد، جنبش «زندگی سیاه‌پوستان مهم است»^۲ می‌باشد که با اعتراض، رسانه و فشار اجتماعی، خواستار پاسخگویی نهادهای عدالت و دولت شده و فرهنگ حاکم را به چالش می‌کشد. در ایران نیز ظرفیت‌های قانونی مانند سؤال، استیضاح، تحقیق و تفحص، کمیسیون اصل ۹۰، دیوان عدالت اداری، هیئت عالی نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور، ابزارهای پاسخگویی رسمی را در برابر مسئولان و سیاستمداران گشوده است.

مطالبه عدالت

عدالت از ارزش‌های بنیادین اسلام و جوامع انسانی است و در ایران، پادفرهنگ عدالت‌خواهی همواره در برابر قدرت‌های حاکم شکل گرفته است. از انقلاب مشروطه تا دوران معاصر، عدالت‌خواهان با تأکید بر برابری، مبارزه با فساد و دفاع از محرومان فعالیت کرده‌اند (غفاری و محمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۲۹؛ زیباکلام، ۱۳۸۹: ۱۳۲). این جریان در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و آثار سینمایی مانند فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا مانند «به رنگ ارغوان»، «گزارش یک جشن» و «آژانس شیشه‌ای» بازتاب یافته است (خادم‌الفقرايي و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱-۶۲). باوجوداین، نبود معیار روشن برای عدالت اجتماعی و گرایش‌های افراطی، این آرمان را تهدید می‌کند (محقق، ۱۴۰۲: ۱۰۵).

مقاومت در برابر سلطه

مقاومت در برابر قدرت حاکم از شاخص‌های پادفرهنگ در رسانه و خبر است و از طریق نقد، اعتراض و تولید محتوای مستقل بروز می‌یابد. این جریان با افشای روابط پنهان قدرت و دفاع از حقوق مردم، روایت‌های رسمی را به چالش می‌کشد. در دوره قاجار نیز مطالبه عدالت‌خانه نماد این مقاومت اجتماعی بود (شامخ‌نیا، موسوی و نجف‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۰ و ۱۰۲-۱۰۳). این مقاومت، پادفرهنگ دفاع از حقوق مردم در برابر قدرت مرکزی را بنیان نهاد. امروزه پادفرهنگ مقاومت در برابر قدرت هژمون جهانی، به‌ویژه ایالات متحده، در صنایع رسانه‌ای و خبر بروز یافته است. رسانه‌های منتقد در ترکیه (صبح، جمهوریت، اوزگور گوندوم)، لبنان (المنار) و مصر (مدی مصر) با انتشار اخبار و تحلیل‌های انتقادی، روایت‌های جایگزین را ارائه و صدای مقاومت در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و متحدانش را تقویت می‌کنند. آثار هنری و رسانه‌ای مانند فیلم‌ها و سریال‌های ترکیه‌ای (حریم سلطان، گودال) و نوشته‌های نویسندگان لبنانی (حنا بطاطو، جبران خلیل جبران) نیز به نقد نابرابری‌ها و پیامدهای هژمونی می‌پردازند. حتی در شرایط سانسور شدید عربستان، رویدادهایی مانند قتل جمال خاشقجی نشان دادند که پادفرهنگ رسانه‌ای مقاومت بر افکار عمومی جهانی اثرگذار است.

نتیجه‌گیری (ارائه راهکارها و راهبردها)

پادفرهنگ‌ها در واکنش به فرهنگ مسلط و نابرابری‌ها شکل می‌گیرند و با نقد هنجارهای رایج، تعادل اجتماعی^۱ را به چالش می‌کشند. محیط فرهنگی طبقه پایین و گروه‌های محروم اهدافی را در ستیز با فرهنگ طبقه بالاتر تعیین کرده و با تولید محتوای خودکفا، بهره‌گیری از رسانه‌های جایگزین و ایجاد شبکه‌های اجتماعی غیرمتمرکز، خودایستایی و مقاومت در برابر هژمونی فرهنگی و سیاسی را پیش می‌برند و در برابر هژمونی فرهنگی و سیاسی مقاومت کرده و در پی ایجاد ساختارهای اجتماعی جایگزین هستند.

این پژوهش با هدف شناسایی شاخص‌های پادفرهنگ در صنایع اطلاع‌رسانی و خبر، عوامل پیدایش و شاخص‌های آن‌ها را در رسانه‌ها بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که پادفرهنگ‌ها در نتیجه ناسازگاری با ارزش‌ها و هنجارهای رایج، نابرابری‌های اجتماعی و ناکارآمدی سازوکارهای سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرند و رسانه‌ها

و شبکه‌های اجتماعی بستر تقویت و انتقال پیام‌های آن‌ها هستند. شاخص‌های پادفرهنگ در چهار دسته اصلی دسته‌بندی شد. انگیزشی: ارزش‌های پیوسته با اهداف، فشار همتایان، کمال‌گرایی، اعتراض به سلطه‌جویی، افشاگری، اشاعه فحشا، اخلاق در نظام، فرقه‌گرایی، دشنام و تمسخر. ساختاری: روزنامه‌نگاری جایگزین، مستقل، تحقیقی و انتقادی، بولتن‌های زیرزمینی، الگوریتم‌های اتاق‌های پژواک و رسانه‌های زیرزمینی. کنشی: زردنویسی، نقد، طنز، کاریکاتور، هجو، بازنمایی رسانه‌ای، هنر خیابانی و هنر زیرزمینی؛ و گفتمانی: تحریف اخبار، اعتراض به سانسور و استفاده از شبکه‌های اجتماعی.

پادفرهنگ‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ها به گونه‌های متنوعی ظهور می‌کنند، روایت‌های رسمی را به چالش می‌کشند، فساد و نابرابری‌ها را افشا و فضایی برای بیان دیدگاه‌های مخالف ایجاد می‌کنند. آن‌ها با تولید محتوای جایگزین، روزنامه‌نگاری تحقیقی و ایجاد جنبش‌های اعتراضی، رسانه‌های خبری را ابزاری برای گسترش ارزش‌ها و دیدگاه‌های انتقادی خود می‌کنند.

این پژوهش، افزون بر شناسایی شاخص‌های پادفرهنگ در رسانه‌های خبری، در سطح روش‌شناختی نیز در چارچوب سیاست‌پژوهی تحلیلی صورت‌بندی و نتیجه‌گیری شد که سیاست‌گذاران فرهنگی باید پادفرهنگ‌ها را از خلال سبک، زبان، موسیقی، رسانه و مقاومت نمادین در برابر نظم مسلط به‌عنوان واکنش‌هایی اجتماعی به نابرابری، طرد نمادین و بحران مشروعیت فرهنگی فهم کنند. از این رو، تحلیل آن‌ها بدون استفاده از ابزارهای سیاست‌پژوهی، سطحی و غیرکاربردی خواهد شد.

در همین راستا، تحلیل ذی‌نفعان به‌عنوان نخستین ابزار سیاستی به‌کار گرفته شد تا شبکه‌کنشگران مؤثر در شکل‌گیری و بازتولید پادفرهنگ‌های رسانه‌ای شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که رسانه‌های رسمی، پلتفرم‌های دیجیتال، گروه‌های معترض، نهادهای تنظیم‌گر و کاربران شبکه‌های اجتماعی، هر یک با منافع و میزان نفوذ متفاوت، در میدان فرهنگی نقش‌آفرینی می‌کنند. این تحلیل نشان داد که تعارض میان روایت رسمی و روایت‌های جایگزین، افزون بر بازنمایی یک اختلاف رسانه‌ای، بازتابی از توزیع نامتوازن قدرت نمادین در جامعه است. لذا سیاست‌گذاری فرهنگی نیازمند فهم روابط قدرت، منافع متعارض و ظرفیت‌های مقاومت فرهنگی است. از آنجا که محیط‌های متراکم ارتباطی بستر تقویت هویت‌های جایگزین هستند (Fischer, 1975: 1327-1331)، تحلیل سیستم‌ها نیز نشان داد که پادفرهنگ‌ها در یک

ساختار چندلایه و تعاملی شکل می‌گیرند و محصول عملکرد منفرد رسانه‌ها نیستند. اقتصاد فرهنگی، نابرابری اجتماعی، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، ضعف سرمایه اجتماعی و بحران اعتماد عمومی، به‌صورت متقابل بر گسترش پادفرهنگ‌های رسانه‌ای اثر می‌گذارند؛ بنابراین، سیاست‌های فرهنگی تک‌بعدی و مبتنی بر حذف یا سانسور، اثربخشی محدودی داشته و موجب تقویت رسانه‌های زیرزمینی و گسترش اتاق‌های پژواک می‌شوند.

بر همین اساس، تحلیل گزینه‌های سیاستی برای ارزیابی مسیرهای محتمل آینده نشان می‌دهد که رویکردهای امنیتی و محدودکننده، در بلندمدت بی‌اعتمادی و رادیکال‌شدن کنش‌های رسانه‌ای را افزایش می‌دهند. درحالی‌که سیاست‌های تعاملی، مبتنی بر سواد رسانه‌ای، گفت‌وگوی اجتماعی و تقویت رسانه‌های حرفه‌ای مستقل، ظرفیت بیشتری برای کاهش شکاف‌های فرهنگی دارند.

حاصل آن‌که ترکیب ابزارهای تحلیل ذی‌نفعان، تحلیل سیستم‌ها، سناریونویسی، تحلیل گزینه‌های سیاستی، این‌گزینه راهبردی را نمایان می‌کند که پدیده پادفرهنگ‌های رسانه‌ای افزون بر مسئله‌ای فرهنگی، باید به‌عنوان مسئله‌ای سیاستی و حکمرانی تحلیل شود. ازاین‌رو، پژوهش حاضر مبنایی برای طراحی سیاست‌های فرهنگی چندسطحی، مشارکتی و مبتنی بر حکمرانی رسانه‌ای هوشمند است.

پیشنهاد راهبردی

در سطح راهبردی، نخستین اصل، گذار از الگوی «کنترل متمرکز» به الگوی «حکمرانی مشارکتی» است. اندوخته‌ها و نظریه‌های مطالعات فرهنگی نشان می‌دهند که پادفرهنگ‌ها بخشی از فرایند بازتولید معنا و رقابت هژمونیک در جامعه‌اند. راهبرد فرهنگی کارآمد به‌جای حذف کامل تفاوت‌ها، بر تبیین معانی متعالی، تبلیغ ارزش‌های والا، مدیریت تعارض‌های فرهنگی، ادغام مطالبات مشروع و بازسازی سرمایه نمادین فرهنگ رسمی بنا نهاده می‌شود. ازاین‌رو راهبرد کلان در مواجهه با پادفرهنگ در رسانه باید بر افزایش مشروعیت فرهنگی از طریق تبلیغ مفاهیم متعالی، مشارکت و گفت‌وگو مبتنی باشد.

در این سطح، سیاست‌گذار باید سه هدف راهبردی را هم‌زمان دنبال کند: افزایش مشروعیت فرهنگی رسانه‌های رسمی، کاهش شکاف ادراکی میان زیست‌جهان رسمی و غیررسمی و مدیریت رقابت گفتمانی در فضای رسانه‌ای چندمرکزی.

پیشنهاد سیاست‌ها، اقدام‌های اجرایی و ابزارهای حکمرانی

بر مبنای این راهبرد، چند سیاست قابل استخراج است.

سیاست نخست، تقویت حکمرانی مشارکتی رسانه است. در این سیاست، هدف آن است که گروه‌های اجتماعی و نسل جوان، در فرایند تولید معنا و بازنمایی رسانه‌ای نقش فعال‌تری ایفا کنند. نظریه مخاطب فعال نشان می‌دهد که مخاطبان معاصر، دریافت‌کنندگان منفعل پیام نیستند و در فرایند تفسیر، بازآفرینی و مقاومت معنایی مشارکت دارند (Livingstone, 2019). سیاست فرهنگی باید از الگوی ارتباط یک‌سویه فاصله گرفته و به‌سوی سازوکارهای مشارکتی حرکت کند. اقدام اجرایی متناظر با این سیاست، ایجاد شوراهای مشورتی پادفرهنگ‌ها در سازمان‌های رسانه‌ای، توسعه بسترهای گفت‌وگوی عمومی و راه‌اندازی سامانه‌های بازخورد رسانه‌ای است. ابزار تحقق این اقدام شامل پلتفرم‌های مشارکتی، پیمایش‌های مستمر افکار عمومی و نظام ارزیابی اعتماد رسانه‌ای است.

سیاست دوم، بازتنظیم نظام بازنمایی فرهنگی در رسانه‌های رسمی است. بخشی از گرایش به پادفرهنگ، ناشی از احساس حذف نمادین یا بازنمایی ناقص هویت‌های اجتماعی و فرهنگی است. نظریه بازنمایی رسانه‌ای تأکید می‌کند که کارکرد رسانه‌ها از اطلاع‌رسانی رویدادها فراتر رفته و در ساخت اجتماعی معنا نقش دارند (Hall, 1997). در چنین شرایطی، محدود شدن بازنمایی فرهنگی به روایت‌های تک‌صدایی، شکاف‌های هویتی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین، سیاست فرهنگی باید بر بازنمایی متوازن تنوع قومی، نسلی و سبک‌های زیست اجتماعی در قالب نمادهای انسجام ملی، ارزش‌های اسلامی و حرکت به‌سوی تمدن‌سازی نوین اسلامی استوار شود. مثلاً نمادهایی مانند برج میلاد یا پل طبیعت تهران، با ترکیب عناصر مدرن و سنتی، هویت شهری و ملی را چندلایه و منعطف بازتعریف می‌کنند و همزیستی گذشته و حال را به تصویر می‌کشند. اقدام اجرایی این سیاست حمایت از تولیدات رسانه‌ای بومی، تبلیغ جذاب مبنای اسلامی و تمدن‌ساز، گسترش رسانه‌های محلی، پلتفرم‌های مشارکتی با اقوام داخلی و جهان اسلام و تقویت تولیدهای چندزبانه است. ابزارهای متناظر نیز شامل مشوق‌های مالی، سهمیه حمایتی تولیدات بومی و اصلاح ضوابط صدور مجوز است.

سیاست سوم، افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. امروزه با تکثیر روزافزون رسانه‌ها و پیچیدگی منازعات روایی روبه‌رو هستیم که یکی از دغدغه‌های محوری سیاست‌گذاری فرهنگی است. در این فضای اشباع‌شده از اطلاعات، روایت‌های رقیب بر ادراک

عمومی از مسائل اجتماعی تأثیر گذاشته و ارزیابی بحران‌ها و الگوهای کنش جمعی را دگرگون می‌کنند. برخی شبکه‌های ارتباطی با بهره‌گیری از تاکتیک‌هایی همچون تحریف داده‌ها، افناع پنهان و برجسته‌سازی قطبی‌گرایی، بستر را برای تغییر نگرش‌ها و کاهش انسجام اجتماعی مهیا می‌کنند. از این رو، توانایی جامعه در تشخیص اطلاعات نادرست و شایعات، بنیانی برای ارتقای تاب‌آوری فرهنگی است. تقویت این ظرفیت نیازمند توسعه سواد رسانه‌ای انتقادی و مهارت‌های تحلیل روایت در سطوح مختلف جامعه است. سیاست فرهنگی هوشمند، با بازنگری در نظام آموزشی و گنجاندن دروس تفکر انتقادی، یادگیری تفکر انتقادی در رسانه ملی و نیز ایجاد پلتفرم‌های بومی آموزش همگانی، اقدام می‌کند. راه‌اندازی نظام‌های پایش مستمر تحولات رسانه‌ای و ارزیابی دوراندازه‌گیری تاب‌آوری شناختی، امکان شناسایی زود هنگام روندهای قطبی‌کننده را ایجاد کرده و به جای تمرکز بر نیات کنشگران، بر سازوکارهای عینی اثرگذاری و پیامدهای اجتماعی متمرکز است و مسئله را به چارچوبی قابل سنجش در پژوهش‌های تجربی نزدیک‌تر می‌کند و زمینه‌ساز سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد خواهد بود.

سیاست چهارم، ایجاد پیوست رسانه‌ای برای سیاست‌های فرهنگی است. بسیاری از ناکامی‌های سیاست فرهنگی در ایران ناشی از آن است که سیاست‌ها بدون ارزیابی بازتاب رسانه‌ای و ادراکی آن‌ها تدوین شده‌اند. در ادبیات سیاست‌گذاری فرهنگی، پیوست رسانه‌ای به معنای ارزیابی اثرات ارتباطی، اقناعی و بازنمایی سیاست‌ها پیش از اجراست (McGuigan, 2004). هر سیاست فرهنگی کلان باید پیش از اجرا، از منظر ادراک عمومی، حساسیت‌های هویتی و پیامدهای رسانه‌ای ارزیابی شود. اقدام اجرایی متناظر، تشکیل واحدهای تحلیل افکار عمومی و ارزیابی رسانه‌ای در نهادهای سیاست‌گذار است و ابزار آن شامل داده‌کاو شبکه‌های اجتماعی، پیمایش‌های نگرشی و تحلیل گفتمان رسانه‌ای است.

سیاست پنجم، بازآرایی و تقویت نظام مرجعیت رسانه‌ای است. یکی از علل گسترش پادفرهنگ رسانه‌ای، کاهش سرمایه نمادین رسانه‌های رسمی و انتقال اعتماد عمومی به رسانه‌های غیررسمی و شبکه‌ای است. در جامعه شبکه‌ای، مرجعیت رسانه‌ای دیگر محصول اقتدار نهادی نبوده و حاصل «اعتبار تعاملی» و «اعتماد ارتباطی» است (Jenkins, 2006). اقدامات اجرایی در راستای این سیاست، شامل کاهش شکاف میان روایت رسمی و تجربه زیسته مخاطب، توسعه روزنامه‌نگاری مشارکتی و داده‌محور، تقویت حضور نخبگان مستقل و میان‌گروهی در رسانه رسمی، بازطراحی ساختار خبر

به‌سوی روایت‌های چندسطحی و همسو با اهداف نظام اسلامی و ایجاد اتاق‌های گفت‌وگوی اجتماعی پیرامون مسائل مناقشه‌برانگیز فرهنگی با حضور کارشناس داور است. مهم‌ترین ابزارهای سیاستی در این خصوص نیز شاخص ملی اعتماد رسانه‌ای، سامانه‌های بازخورد مخاطبان، تولید محتوای مسئله‌محور، نظام ارزیابی کیفیت اقناع رسانه‌ای است.

ششمین سیاست، بازتولید هویت اسلامی - ایرانی است. بازتولید این هویت در جمهوری اسلامی ایران مستلزم اتخاذ الگویی از سیاست‌گذاری فرهنگی است که ضمن حفظ انسجام تمدنی و ارزشی جامعه، ظرفیت به‌رسمیت‌شناسی تنوع‌های فرهنگی، قومی و زبانی را نیز در درون منظومه هویت اسلامی ایرانی پدید آورد. در اندیشه انقلاب اسلامی ایران، هویت ملی بر مبنای تکرر گسیخته و نسبی‌گرایانه نیست؛ هویت ملی بر پایه وحدت توحیدی، عدالت فرهنگی و پیوند تاریخی اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها با امت اسلامی تعریف می‌شود. از این‌رو، سیاست فرهنگی کارآمد باید بتواند میان وحدت ارزشی و تنوع فرهنگی توازن برقرار کند؛ زیرا نادیده‌گرفتن اقتضائات فرهنگی و زیست‌بوم‌های محلی، زمینه‌ساز شکل‌گیری شکاف‌های هویتی و کاهش سرمایه اجتماعی خواهد شد. سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید با تکیه بر مفهوم امت اسلامی، ظرفیت‌های قومی، زبانی و فرهنگی را در چارچوب هویت تمدنی اسلام و ایران بازتعریف و هم‌افزا کند. تقویت دیپلماسی فرهنگی و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان بومی، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و نهادهای مردمی، پیوند میان فرهنگ رسمی و زیست‌جهان فرهنگی اقشار مختلف جامعه را تعمیق می‌کند.

منابع و مآخذ

ابیلی، خدایار و علیرضا نصیری فیروز و جواد پورکریمی و محمدرضا کرامتی (۱۴۰۰). شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی؛ یک مطالعه فراترکیب. سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۴)، ۳۰۹-۳۲۹.
<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.84832>

اسمیت، مانوئل (۱۳۹۵). روان‌شناسی اعتراض: وقتی نه می‌گویم احساس گناه می‌کنم، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: درس.

انتظاری، کمیل (۱۴۰۳). هنر زیرزمینی آن طرف آب. جام جم، کد خبر ۶۹۴۹۲۳، ۶۹۴۹۲۳/۴/۲۱.

jamejamonline.ir/002umR

تورن، آلن (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، ترجمه سلمان صادقی‌زاده و حسن ناصرخاکی، تهران: طرح نو.

جهانشاهی، امید (۱۳۹۳). روزنامه‌نگاری جایگزین. تهران: ثانیه.

خادم الفقرایی، مهوش و احسان آقابابایی و وحید قاسمی (۱۴۰۲). روایت سقوط: عدالت‌خواهی به مثابه گردن‌کشی در سینمای حاتمی کیا. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۴(۲)، ۷۷-۵۹.

<https://doi.org/10.22059/jsal.2023.92665>

خدابنده، عبدالله (۱۳۸۸). شناخت فرقه اهل حق، تهران: امیرکبیر.

دلیران، کلثوم (۱۴۰۱). شناخت اصول خبرنگاری، تهران: سفیر اردهال.

دیانت، فرشته و میترا معنوی‌راد (۱۳۹۸). نقش عکاسی و بیگانه‌سازی در هنر زمینی، هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۴(۱)، ۹۳-۱۰۴.
<https://doi.org/10.22059/jfava.2019.69818>

ذوالفقاری، حسن و حسین بیات و حامد نوروزی و آرمین رسول‌زاده (۱۳۸۵). الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات؛ گزارش تفصیلی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

رجب‌زاده، محسن و شعبان الهی و علیرضا حسن‌زاده و محمد مهرآیین (۱۴۰۰). اینترنت اشیا در مدیریت زنجیره تأمین: مروری نظام‌مند با استفاده از رویکرد کیف پارادایمی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۷(۱)، ۵۹-۸۲.
<https://doi.org/10.52547/jipm.37.1.59>

رمضانی، حسین علی و مهدی ناظمی اردکانی و علیرضا پیروزمند (۱۳۹۴). رویکردی نو در ارائه مدل تحلیل جامع پدیده‌های اجتماعی، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱(۱)، ۱۴۱-۱۶۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2476745.1394.1.1.6.5>

زیباکلام، سعید (۱۳۸۹). شمشیر دولبه آرمان‌طلبی و عدالت‌خواهی دانشجوی. برداشت اول، ۱۲ و ۱۳، ۱۳۰-۱۳۵.

شامخ‌نیا، راضیه و مرضیه موسوی و رضا نجف‌زاده (۱۳۹۸). نسبت سازوکارهای حکمرانی فجری و مقاومت‌های عمومی عدالت‌خواهانه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۱)، ۸۲-۱۰۶.

<https://doi.org/10.29252/piaj.2019.99871>

- شاه‌میری، آزاده (۱۳۹۵). بازنمایی غرب در نمایشنامه‌های ایرانی از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد گرایش پژوهش هنر). دانشکده هنر دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- شبابی، محمد (۱۴۰۰). مطالبه‌گری و پاسخگویی در مدیریت راهبردی کشور. تهران: فرهوش.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۷). *واژه‌نامه ارتباطات*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- شهیدی، مهشید (۱۴۰۴). *مطالعه وضعیت‌سنجی قطبی‌شدن اجتماعی-سیاسی در جهان با تأکید بر رسانه‌های شخصی‌سازی‌شده (گزارش راهبردی)*. قم: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس.
- شیخ‌زاده، محمد و رضا بنی‌اسد (۱۳۹۹)، تحلیل مضمون؛ مفاهیم، رویکردها و کاربردها. تهران: لوگوس.
- طلال، اسد و بالتر جودیت و براون وندی و محمود صبا (۱۳۹۵). آیا نقد سکولار است؟ (کفرگویی، جراحت و آزادی بیان) ترجمه آما بهمن‌پور، تهران: نشر نی.
- عزیززاده، لیلی و رضا نقدبیشی (۱۴۰۵). راهکارهای سیاست‌گذاری بازطراحی فضاهاى فرهنگى از منظر کاربران بر اساس رویکرد مشارکتی، *مطالعات فرهنگی*، ۶(۱)، ۹-۴۷.
- <https://doi.org/10.22083/scsj.2025.523602.1284>
- غفاری، مسعود و علی محمدزاده (۱۳۹۰). عدالت‌خواهی از منظر دو حزب دموکرات و اعتدالیون (بررسی مرام‌نامه‌های دو حزب). *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (دوره جدید)*، ۳(۲)، ۱۱۳-۱۳۲.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۴۰۳). گزارش نویسی؛ چشم عقاب روزنامه‌نگاری. تهران: اطلاعات.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قیدرلو، کمیل و محمد وجدانی و مریم جانقربان، (۱۴۰۲). محاسبه حجم اقتصاد پادفرهنگ در سینمای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی ۲۰ فیلم پرمخاطب سینمای ایران در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)، *دین و سیاست فرهنگی*، ۱۰(۲۰)، ۷۹-۱۰۷.
- لر، شارون وی (۱۴۰۲). *فیچرنویسی برای روزنامه‌نگاران روزنامه‌ها*، مجلات و فضای مجازی، ترجمه علی‌اکبر قاضی‌زاده، تهران: ثانیه.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: چاپخانه خواجه.
- مارکس، کارل (۱۳۹۳). *نبردهای طبقاتی در فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز، کتاب ماد و کتاب مریم.
- محققى، محمدمهدى (۱۳۹۶). *احکام فقهی خبر در رسانه (با تأکید بر محرمات و موارد استثنا)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده سطح سه). حوزه علمیه قم، قم، ایران.
- محققى، محمدمهدى (۱۳۹۷). *راهبردهای مرجعیت خبری در رسانه‌های حوزوی در گام دوم انقلاب (مورد مطالعه: خبرگزاری رسا)* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد رشته مدیریت راهبردی فرهنگ). دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران.
- محققى، محمدمهدى (۱۴۰۲). *گفتمان ارتباطی و دیگری‌های گفتمان حوزه علمیه قم از آغاز تاکنون، الهیات هنر*، ۱۱(۲)، ۸۵-۱۰۹.
- محمّدی فر، محمدرضا (۱۳۷۸). *فرهنگ روزنامه‌نگاری*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

- معمدندزاد، کاظم (۱۳۹۲). روزنامه‌نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر، تهران: سپهر.
- ملک‌شیخی، مهدیه (۱۴۰۳). مقاومت فرهنگی، فرهنگ عمومی را به چالش می‌کشد/ چرا ناسزا و توهین در نسل جوان رایج شده؟. عصر ایران، کد خبر ۱۰۱۰۸۷۴. asriran.com/fa/print/1010874
- مهدیان، محسن (۱۳۹۹). خبر خوب به مثابه یک رویداد رسانه‌ای. تهران: موسسه خبرگزاری فارس.
- الوندی، پدram (۱۳۸۹). رسانه‌های شهروندی در ایران؛ الگوها و روندهای شکل‌گیری روزنامه‌نگاری شهروندی در فضای مجازی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- هیوز، آون (۱۳۸۹). مدیریت دولتی نوین: نگرشی راهبردی (استراتژیک) سیر اندیشه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها، ترجمه غلامرضا معمارزاده و سیدمهدی الوانی و سهراب خلیلی شورینی، تهران: مروارید.
- Abili, K., Nasiri Firooz, A., Pourkarimi, J., & Karamati, M. (2021). Identifying and validating cultural policy evaluation indicators in higher education system: A meta-synthesis study. *Public Policy Quarterly*, 7(4), 309-329, <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.84832>. [In Persian]
- Alvandi, P. (2010). *Citizen Media in Iran: Patterns and Trends in the Formation of Citizen Journalism in Cyberspace* (Unpublished master's thesis in Social Communication Sciences). Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. [In Persian]
- Alvandi, P. (2011). *Citizen media in Iran: Patterns and trends of citizen journalism in cyberspace* (Master's thesis). Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Amine, A. & Jounaid, A. (2020). Countercultures of consumption: Teenage heavy metal affiliates' coping responses to deviant labeling. *Proceedings of the 47th Annual Conference of the European Marketing Academy*. Conducted by University of Strathclyde, Glasgow, United Kingdom.
- Asad, T., Butler, J., Brown, W., & Mahmood, S. (2013). *Is Critique Secular? Blasphemy, Injury, and Free Speech* (Trans. Alma Bahmanpour). Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Aziz-Zadeh, L., & Naghdbishi, R. (2026). Policy approaches to redesigning cultural spaces from users' perspectives based on a participatory approach. *Cultural Studies*, 6(1), 9-47. <https://doi.org/10.22083/scsj.2025.523602.1284>. [In Persian]
- Bardach, E. & Patashnik, E. (2019). *A Practical Guide for Policy Analysis: The Eightfold Path to More Effective Problem Solving*. Washington: CQ Press, ISBN-13 978-1506368887
- Becker, H. S. (1984). *Art worlds*. California: University of California Press, ISBN-13 9780520052185
- Bennett, T. (1992). *Putting policy into cultural studies*. In L. Grossberg, C. Nelson, & P. Treichler (Eds.), - *Cultural studies*, London & New York: Routledge, 23-37, <https://doi.org/10.4324/9780203699140>
- Bovet, A., & Makse, H. A. (2019). Influence of fake news in Twitter during the 2016 US presidential election. *Nature Communications*, 10(1), 1-14, <https://doi.org/10.1038/s41467-018-07761-2>
- Burke Jarvis, C., Mackenzie, S. B., & Podsakof, P. M. (2003). A critical review of construct indicators and measurement model misspecification in marketing and consumer research. *Journal of Consumer*

- Research, 30(2), 199-218, <https://doi.org/10.1086/376806>
- Byford, J. (2011). *Conspiracy theories: A critical introduction*. London: Palgrave Macmillan London, <https://doi.org/10.1057/9780230349216>
- Cesarini, P. (2026). *The EU policy framework to counter disinformation*. European University Institute, 551-575, https://doi.org/10.1007/978-3-032-00480-2_28
- Chan-Olmsted, S. M., & Qin, Y. S. (2021). The impact of fake news on its sponsor's brand trust. *Journal of Brand Strategy*, 9(4), 446-465, <https://doi.org/10.69554/SVEU9292>
- Deliran, K. (2022). *Understanding the Principles of Reporting*. Tehran: Safir-e Ardehal. [In Persian]
- DeNardo, J. (1985). *Power in numbers: The political strategy of protest and rebellion*. New Jersey: Princeton University Press, ISBN 9780691611617
- Deyanat, F., & Manavi-Rad, M. (2019). The role of photography and defamiliarization in land art. *Honarhā-ye Zibā: Honarhā-ye Tajassomi [Fine Arts: Visual Arts]*, 24(1), 93-104. <https://doi.org/10.22059/jfava.2019.69818>. [In Persian]
- Dunn, W. N. (2017). *Public Policy Analysis*. London & New York: Routledge, ISBN 9781138743847
- Entazari, K. (2024). Underground art on the other side of the water. *Jame Jam*, News Code 694923, July 12, 2014. fromjamejamonline.ir/002umR. [In Persian]
- Farghani, M. M. (2024). *Report Writing: The Eagle Eye of Journalism*. Tehran: Ettela'at. [In Persian]
- Fischer, C. S. (1975). Toward a subcultural theory of urbanism. *American Journal of Sociology*, 80(6), 1319-1341, <https://doi.org/10.1086/225993>
- Furceri, D. & Mourougane, A. (2010). Structural Indicators: A Critical Review. *OECD Journal: Economic Studies*, 1(1), 201-235, <https://doi.org/10.1787/226415705182>
- Furceri, D., & Mourougane, A. (2010). Structural indicators: A critical review. *OECD Journal: Economic Studies*, 10(1), 1-28, https://doi.org/10.1787/eco_studies-2010-5kmh5xphhnjj
- Gallon, M. (1987). *Society in the making: The study of technology as a tool for sociological analysis*. In *The social construction of technological systems: New directions in the sociology and history of technology*. Cambridge: MIT Press.
- Ghaffari, M., & Mohammadzadeh, A. (2011). The pursuit of justice from the perspective of the Democratic and Moderation Parties: An examination of the platforms of the two parties. *Historical Research Quarterly (New Series)*, 3(2), 113-132. [In Persian]
- Gheydarloo, K., Vojdani, M., & Jan-Ghorban, M. (2023). Measuring the counterculture economy in the cinema of the Islamic Republic of Iran: A case study of the 20 most-watched Iranian films from 2017 to 2021. *Religion and Cultural Policy*, 10(20), 79-107. [In Persian]
- Hajela, R. (2018). *Evidence on disinformation and 'fake news' (Media and Communications (Data & Society))*. London: London School of Economics and Political Science.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. California: Sage,, ISBN-13 978-0761954323.

- Harding, D. J., & Hepburn, P. (2014). Cultural mechanisms in neighborhood effects research in the United States. *Sociologia Urbana e Rurale*, 103, 37-73, <https://doi.org/10.3280/SUR2014-103004>
- Hughes, O. E. (2010). *New Public Management: A Strategic Perspective; The Evolution of Ideas, Concepts, and Theories* (trans. G. Reza Ma'marzadeh, S. M. Alvani, & S. Khalili-Shourini). Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Jahanshahi, O. (2014). *Alternative Journalism*. Tehran: Saniyeh. [In Persian]
- Jarvis, C. B., MacKenzie, S. B., & Podsakoff, P. M. (2003). A critical review of construct indicators and measurement model misspecification in marketing and consumer research. *Journal of Consumer Research*, 30(2), 199-218. <https://doi.org/10.1086/376806>
- Jenkins, H. (2006). *Convergence culture: Where old and new media collide*. New York: New York University Press, ISBN-10 9780814742952.
- Karppinen, K., & Moe, H. (2016). What we talk about when talk about "media independence." *Javnost - The Public*, 23(2), 105-119, <https://doi.org/10.1080/13183222.2016.1162986>.
- Karppinen, K., & Moe, H. (2016). What we talk about when we talk about media independence. *Journal of the European Institute for Communication and Culture*, 23(2), 105-119, <https://doi.org/10.1080/13183222.2016.1162986>
- Kellner, D., & Share, J. (2007). *Critical media literacy, democracy, and the reconstruction of education*. In Media literacy: A reader, London: Peter Lang, 3-23.
- Khadem al-Faqaraci, M., Aghababaei, E., & Ghasemi, V. (2022). The narrative of downfall: The pursuit of justice as insolence in Hatami-Kia's cinema. *Journal of Sociology of Art and Literature*, 14(2), 59-77, <https://doi.org/10.22059/jsal.2023.92665>. [In Persian]
- Khodabandeh, A. (2009). *Understanding the Ahl-e Haqq Sect*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Langaroudi, M. J. (1967). *Legal Terminology*. Tehran: Khajeh Printing House. [In Persian]
- Lederman, D., Loayza, N., & Soares, R. R. (2010). *Accountability and corruption: Political institutions matter*. Washington: Policy Research Working Paper, Report Number WPS2708. Lauer, S. V. (2022). *Feature Writing for Newspaper, Magazine, and Online Journalists* (trans. A. A. Ghazi-Zadeh). Tehran: Saniyeh. [In Persian]
- Lindstedt, C., & Naurin, D. (2010). Transparency is not enough: Making transparency effective in reducing corruption. *International Political Science Review*, 31(3), 301-323, <https://doi.org/10.1177/0192512110377602>
- Linz, J., & Stepan, A. (1996). Toward consolidated democracies. *Journal of Democracy*, 7(2), 14-33, <https://doi.org/10.1353/jod.1996.0031>
- Livingstone, S. (2019). Audiences in an age of datafication: Critical questions for media research. *Television & New Media*, 20(2), 170-183, <https://doi.org/10.1177/1527476418811118>
- Loader, C., & Alexander, J. C. (1985). Max Weber on churches and sects in North America: An alternative path toward. *Sociological Theory*, 3(1), 1-6, <https://doi.org/10.2307/202165>

- Majchrzak, A. (1984). *Methods for Policy Research (Applied Social Research Methods)*. London: SAGE Publications Inc.
- Malek-Shikhi, M. (2024). Cultural resistance challenges public culture: Why have profanity and insults become prevalent among the younger generation? *Asr-e Iran*, News Code 1010874. asriran.com/fa/print/1010874. [In Persian]
- Marx, K. (2014). *The Class Struggles in France, 1848-1850* (trans. B. Parham). Tehran: Markaz, Ketab-e Mad, & Ketab-e Maryam. [In Persian]
- McGuigan, J. (2004). *Rethinking cultural policy*. McGraw Hill: Open University Press, ISBN 0335207022
- McQuail, D. (2010). *McQuail's mass communication theory(6th ed.)*. London: Sage Publications, ISBN-10 0857027891
- Mehdian, M. (2020). *Good News as a Media Event*. Tehran: Fars News Agency. [In Persian]
- Mehdian, M. (2020). *Good News as a Media Event*. Tehran: Fars News Agency. [In Persian]
- Miller, S. (2001). *Social action: A teleological account*. Cambridge: Cambridge University Press, <https://doi.org/10.1017/CBO9780511612954>
- Miller, T., & Yúdice, G. (2002). *Cultural policy*. London: Sage Publications, ISBN-13 978-0761952411
- Mohammadi Far, M. R. (1999). *Journalism dictionary*. Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Mohammadi-Far, M. R. (1999). *Farhang-e Rooznameneghari*. 1st ed. Tehran: Organization for Printing and Publishing of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Moradi, E. (2021). The role of virtual social networks in body image dissatisfaction among adolescent girls with the mediating role of social comparison. *The Second International Conference on Law, Psychology, Educational and Behavioral Sciences*, Tehran. [In Persian]
- Motamednejad, K. (2013). *Journalism with a new chapter in reviewing contemporary journalism* (In collaboration with A. Monsefi). Sepehr. [In Persian]
- Myers, R., & Lacey, R. (1996). Consumer satisfaction, performance and accountability in the public sector. *International Review of Administrative Sciences: An International Journal of Comparative Public Administration*, 62(3), <https://doi.org/10.1177/002085239606200304>
- Napoli, P. M. (2023). What is media policy?. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 29-45, 707(1), <https://doi.org/10.1177/00027162231211387>
- Orben, A., Przybylski, A. K., Blakemore, S.-J., & Kievit, R. A. (n.d.). Windows of developmental sensitivity to social media. *Nature Communications*, 13, 1-10, <https://doi.org/10.1038/s41467-022-29296-3>
- Ordway, D.-M. (2017). Fake news and the spread of misinformation: A research roundup. *Journalist's Resource*, 17(1), 1-15.
- Pipes, D. (1997). *Conspiracy: How the paranoid style flourishes and where it comes from*. New York: The Free Press, ISBN-10 0684871114

- Qarashi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an [The Qur'anic Dictionary]*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. **[In Persian]**
- Rajabzadeh, M., Elahi, S., Hasan-Zadeh, A., & Mehrayin, M. (2021). Internet of Things in supply chain management: A systematic review using the paradigm funnel approach. *Journal of Information Processing and Management*, 37(1), 59-82. <https://doi.org/10.52547/jipm.37.1.59>. **[In Persian]**
- Rambo, E., & Chan, E. (1990). Text, structure, and action in cultural sociology: A commentary on "positive objectivity" in Wuthnow and Archer. *Review Essay*, 19, 635-648.
- Rambo, E., & Chan, E. (1990). Text, structure, and action in cultural sociology: A commentary on "positive objectivity" in Wuthnow and Archer. *Theory and Society*, 19(5), 635-648, <https://doi.org/10.1007/BF00147029>.
- Ramezani, H. A., Nazemi-Ardakani, M., & Pirouzmand, A. (2015). A novel approach to developing a comprehensive analytical model of social phenomena. *Fundamental Research in Humanities*, 1(1), 141-166. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2476745.1394.1.1.6.5>. **[In Persian]**
- Ramirez, J. J. (2008). *Rage against the dying of the light: Herbert Marcuse and the politics of death*. Cultural Logic, British Columbia: The UBC Library, 1-22, <https://doi.org/10.14288/clogic.v15i0.191573>
- Shabani, M. (2021). *Advocacy and Accountability in the Strategic Management of the Country*. Tehran: Farhoosh. **[In Persian]**
- Shahidi, M. (2025). *A Global Assessment of the State of Social-Political Polarization with an Emphasis on Personalized Media (Strategic Report)*. Qom: Islamic Parliament Research Center. **[In Persian]**
- Shahmiri, A. (2016). *Representation of the West in Iranian Plays from the Perspective of Cultural Semiotics (Unpublished master's thesis in Art Research)*. Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. **[In Persian]**
- Shamakhnia, R., Mousavi, M., & Najafzadeh, R. (2019). The relationship between Qajar governance mechanisms and popular justice-seeking resistances. *Political and International Approaches*, 11(1), 82-106, <https://doi.org/10.29252/piaj.2019.99871>. **[In Persian]**
- Sheikzadeh, M., & Bani-Asad, R. (2020). *Thematic Analysis: Concepts, Approaches, and Applications*. Tehran: Logos. **[In Persian]**
- Shokrkah, Y. (2008). *Dictionary of Communication*. Tehran: Office of Media Studies and Planning. **[In Persian]**
- Shore, C. & Wright, S. (2022). Chapter 9 Espionage, Policy and the Art of Government: The British Secret Services and the War on Iraq. In book: *Policy Worlds*, 169-186, <https://doi.org/10.1515/9780857451170-011>
- Smith, M. J. (2016). *The Psychology of Protest: When I Say No, I Feel Guilty* (Trans. M. Gharacheh-Daghi). Tehran: Dorsa. **[In Persian]**

- Stewart, J. (2008). Graffiti vandalism? Street art and the city: Some considerations. *Unesco Journal*.
- Sunstein, C. R. (2017). *#Republic: Divided democracy in the age of social media*. New Jersey: Princeton University Press, ISBN 9780691175515
- The New York Times. (2024). *Where protesters on U.S. campuses have been arrested or detained*, 2024, July 22.
- Touraine, A. (2022). *The Sociology of Social Movements* (trans. S. Sadeqizadeh & H. Naser Khaki). Tehran: Tarh-e Now. [In Persian]
- Tufnell, B. (2007). *Land art*. London: Tate Publishing, ISBN-13 978-1854376046
- United States Department of State, Office of the Historian. (2024). *U.S. diplomacy and yellow journalism*, 1895-1898.
- van Prooijen, J. W., & Douglas, K. M. (2018). Belief in conspiracy theories: Basic principles of an emerging research domain. *European Journal of Social Psychology*, 24(7), <https://doi.org/10.1002/ejsp.2530>
- Weimer, D. & Vining, A. (2017). *Policy Analysis: Concepts and Practice*. London & New York: Routledge, ISBN 9781032756677.
- Zibakalam, S. (2010). The double-edged sword of idealism and the pursuit of justice among students. *Bardasht-e Aval*, Nos. 12-13, 130-135. [In Persian]
- Zolfaghari, H., Bayat, H., Norouzi, H., & Rasoulzadeh, A. (2006). *Non-Standard Patterns in The Language of The Press: Detailed Report*. Tehran: Office of Media Studies and Development. [In Persian]



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.